

بسمه تعالی

درس حقوق اساسی / رشته مدیریت

مقدمه:

انسان موجودی اجتماعی است و این حکمی است که همگان بر آن اتفاق و اجماع نظر دارند. اجتماعی بودن انسان، مقتضی این است که روابط و حقوق خود را با دیگری بشناسد و به درستی سامان دهد. روابط و ارتباطات اجتماعی سالم، بنیاد جامعه را می‌سازد.

پرسش اصلی این است که هدف از ارتباط و یا زندگی اجتماعی چیست؟

برای این پرسش میتوان پاسخ‌های متفاوت و بسیاری در نظر گرفت اما بهتر این است که پرسش‌ها را در دسته‌بندی و در گروه‌های بزرگتری طبقه‌بندی و نشان دهیم:

1- یکسان‌سازی اطلاعات و خواسته‌ها

2- یکسان‌سازی افکار و منافع

3- دگرگونی و همپوشانی خواسته‌ها و منافع

4- انتخاب روش‌های مناسب جهت تأمین منافع از منابع

با همه این تقسیم‌بندی‌ها و تقسیم‌بندی‌های مشابه به این مهم می‌رسیم که تمام رفتارها و روابط اجتماعی بر پایه قرارداد اجتماعی بنا نهاده شده و این قراردادها برداشتی از حقوق فردی و اجتماعی است. اگر قراردادهای اجتماعی دارای ضمانت اجرا گردد به تعریف حقوق و قانون نزدیک‌تر است. وفاداری و التزام عملی به تعهدات و پیمان‌ها و وعده‌ها یکی از شاخص‌های رشد و بالندگی جوامع انسانی به حساب می‌آید. لذا یکی از مؤلفه‌های موفقیت فردی و اجتماعی قانون‌مداری و رعایت شاخصه‌های حقوقی و اجتماعی است.

نظم و قانون باعث ایجاد روابط مشخص افراد در سطح اجتماع است. قانون در دانش حقوقی بر اساس هر مبانی که باشد آورده آن نظم فردی و اجتماعی است. حقوق تنظیم‌کننده و شکل‌دهنده روابط افراد است. بدون در نظر گرفتن حقوق هیچ یک از مفاهیم ساختار، نهاد و رابطه در اجتماع و جامعه مستقر نمی‌شود و استمرار نخواهد داشت. اگر فردی چرایی و مبانی حقوق را بداند روح روابط و ساختار را بدست آورده و اگر در جایی قانون مکتوب و یا غیر مکتوب وجود نداشته

باشد از طریق آشنایی با روح قانون و حقوق، حق، وظیفه، روابط و خواسته‌های خود را تنظیم و بدست می‌آورد.

در واقع:

حقوق علم یا ابزاری است جهت بررسی قواعد و نظاماتی که تنظیم کننده روابط بین اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی است و

قانون یک سلسله قواعدی است که شکل حکومت و سازمان یافته حقوق شناخته شده است با ضمانت اجراهای تعریف شده.

قرار دادن حقوق و اصالت قانون در اعمال افراد نه تنها ساختارهای متعدد اجتماعی را جهت منظم کردن جایگاه‌ها مهیا می‌نماید بلکه فراتر از آن روابط بین اشخاص را در هر منصب و موقعیتی نسبت به یکدیگر تعریف و حقوق و تکالیف در فضای قانون‌مندی اجتماعی به وضوح معلوم می‌شود. در این صورت صاحبان حق به حقوقشان و موظفان به تکلیف، وظایفشان را در قبال فرد و جامعه به طرز صحیحی انجام می‌دهند. در سایه حقوق و قانون، تکالیف فردی و اجتماعی جامعه با سرعت و بالندگی رشد و جامعه به سوی توسعه و پیشرفت پیش خواهد رفت.

اگر ذره‌ای توجه و دقت نظر خود را معطوف به افراد و اشخاص نماییم و رابطه‌ها را مورد کنکاش قرار دهیم به این مهم پی می‌بریم که بدون توجه به حقوق و قانون نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. مجموعه قواعد پذیرفته شده مدت‌ها قبل از به وجود آمدن یک شخص (اعم از حقیقی و حقوقی) و تا مدت‌ها بعد از میان رفتن او با موارد و مسائل حقوقی و قانونی درگیر است.

تولد یک نوزاد یا تولد یک شرکت یا موسسه، فوت یا محجوریت یک فرد حقیقی یا انحلال یک شخصیت حقوقی و مابین این اتفاقات همه اعمال و وقایع، یک بعد حقوقی و یا قانونی دارد. از یک خرید ساده تا عقد یک قرارداد، از انتخاب و نحوه محل زندگی تا حل و فصل اختلاف حاصله مابین افراد و طرفین از کارمندی یک شرکت تا مدیریت شرکت‌های خصوصی و غیر خصوصی؛ همه و همه باعث می‌شود که توجه ویژه و خاصی به نقش و جایگاه حقوق داشته باشیم. یک فرد آشنا به حقوق با توجه به شناختی که از عالم حقوق دارد می‌تواند قواعد حاکم، قواعد ناظم، قواعد ظالمانه، قواعد درست یا غلط را بازشناسد و روابط افراد را با توجه به هنجارها و منافع هر فرد تعریف نماید.

برای نمونه چند مثال ساده در روابط اجتماعی ذکر می‌شود:

- انتخاب محل زندگی و نحوه معاشرت در زندگی امروزه شهری وابسته به قواعد و قوانین آپارتمان-نشینی است. (اخذ و پرداخت شارژ، تنظیم اساسنامه آپارتمانی، وظایف هر یک از ساکنین و مالکین، فضای مشاعی و اختصاصی و ...)

- انتخاب همسر و موضوع مهریه، نفقه، حق طلاق، حق تحصیل، حق خروج از کشور و سایر حقوق متصوره در قانون و....

- در حوزه کسب و کار و تجارت موضوع تنظیم قرارداد و شراکت‌های مدنی و تجاری و....

- حل و فصل اختلافات از طریق قضایی و غیر قضایی مانند مذاکره، صلح و سازش و داوری، دادگاه و....

- و شاید ده‌ها مورد دیگر که هر کدام از شما عزیزان آن را تجربه کرده و یا در آینده تجربه خواهید نمود و یا از شنیده‌ها برای خود تجربه ساخته‌اید.

منظور از رفتار اجتماعی هر نوع رفتاری است که متضمن کنش متقابل دو یا چند انسان باشد. فرد رفتارهای اجتماعی خود را بر اساس مؤلفه‌های متعددی از قبیل فرهنگ و هنجارهای اعتقادی، ارزشی و قانونی مورد قبول خود یا جامعه و همچنین نقش خود در اجتماع و هویتی که بدست آورده تنظیم می‌کند و **حقوق و قانون ضمانت اجرای هنجارهای ساخته شده است.**

اکثر رفتارهای اجتماعی در تمامی جوامع و فرهنگ‌ها معنی‌دار هستند و به آن‌ها به عنوان رفتارهای جامعه پسند یا جامعه‌ستیز توجه خاصی می‌شود. انواع رفتارها مثل ازدواج، روابطه والد-فرزندی، عضویت در گروه‌ها و دستجات، مشارکت‌های مدنی و تجاری، رفتار با همسایگان، تجارت، تعهدات، خرید و فروش و... در جوامع متفاوت درجات متفاوتی از توجه را شامل خود می‌سازند. بخش بزرگی از احکام، قواعد و قوانین، عقلانی و عقلایی هستند، اما دانسته‌های عقلانی دلیل خوبی جهت عدم استفاده از دانش حقوق نیست.

شکل‌گیری و پیشرفت جوامع و لزوم به کارگیری حداکثری از توان جامعه، افراد حقوقی را بر آن داشته تا نسبت به هر نوع تغییر در زندگی، قواعد و قوانین آن را از حقوق فردی و اجتماعی برداشت و با تعریفی مجدد و کاربردی جهت اداره بهتر اجتماع در اختیار جامعه قرار دهند.

نیاز به همزیستی و رابطه میان افراد، منفعت متقابل، ارتقاء سطح رفاه افراد، تسهیل مسیر، رفع نزاع بر سر منافع بیشتر، دوام حیات اجتماعی، پیشگیری از ناهنجاری، ضرورت نیاز به حقوق و قانون را دوچندان می‌نماید.

فصل اول:

مقدمه:

نگرش کلی علم حقوق:

تقسیم بندی حقوق با توجه به نگرش:

- دولت (حاکمیت) و فرد: عمومی و خصوصی
- نگرش مرز: داخلی یا ملی و خارجی یا بین‌المللی

شعب حقوق داخلی:

- حقوق عمومی: اداری، مالی، مالیاتی، اساسی و...
- حقوق خصوصی: مدنی، تجاری و...

گفتار اول: مفاهیم مرتبط با حقوق اساسی

- جامعه سیاسی

اجتماع: گرد هم آمدن و جمع شدن

جامعه: تعریف روابط و هدفمند شدن اجتماع

جامعه سیاسی: با یک سرس مفاهیم مانند زور، اجبار، قدرت، جهت تحقق اهداف و آرمان‌های تعریف شده در جامعه سیاسی خاص یک سلسله روابط ایجاد می‌نمایند به نام نظام به منظور برقراری صلح، امنیت و صیانت از حق.

برای شکل‌گیری جامعه سیاسی:

- تعلق (مادی و معنوی)
- ایجاد یکپارچگی
- دارای قدرت سیاسی
- دارای هتجارهای حقوقی
- دارای نهاد یا سازمان

جامعه سیاسی: بیان‌کننده روابط بین فرمانروایان و فرمانبرداران است و باید در سرزمین خاص به همراه قانون باشد و نتیجه آن: منع از رفتارهای دلبخواهی و رفتار از طریق قانون و نهاد است.

- قدرت سیاسی

توانایی دستیابی به یک نتیجه مطلوب

چرا در جوامع قدرت سیاسی مطرح است؟

جهت استقرار نظام سیاسی:

- پذیرش
- منطبق با ارزش
- نهادینه

از منظر حقوق اساسی: قدرت عالی‌در دست دولت است که از طریق آن به مدیریت عمومی می‌پردازد.

- سیاست: روش اداره کردن (فردی و اجتماعی)

محور اساسی علم سیاست: 1- قدرت 2- دولت

- نهاد سیاسی

نهاد سیاسی محور مطالعه علم سیاست و حقوق اساسی است.

بررسی مبنایی در:

- حقوق اساسی: بایدها و نبایدها

- علوم سیاسی: هستها و آنچه هست

- حاکمیت قانون

از مهمترین اصول اساسی در فبسه سیاسی و حقوق حاکمیت قانون.

حاکمیت قانون متعادل کننده: 1- اختیارات حاکمیت و 2- جلوگیری از فراگیری قدرت.

کارکرد اصل حاکمیت قانون: 1- کنترل قدرت سیاسی 2- انتظام بخشی و اداره عمومی 3- تضمین امور و آزادی شهروندان

مهمترین خصیصه اصل حاکمیت قانون: قانون بر جامعه و امور عمومی حکومت داشته نه افراد.

- دستور گرایی یا مشروطه‌گرایی
- 1- محدود کننده دولت
- 2- حفظ و صیانت حقوق و آزادی‌های افراد.

گفتار دوم: تعریف حقوق اساسی:

پیش فرض حقوق اساسی دولت و مردم است.
بخشی از حقوق عمومی داخلی جهت تنظیم روابط دولت با شهروندان.

گفتار سوم: موضوع حقوق اساسی:

جهت آشتی بین دو عنصر قدرت و آزادی، آزادی تضمین و قدرت محدود.

گفتار چهارم: منابع حقوق اساسی:

نشأت گرفته از نظام ارزشی.

- قانون اساسی:

عصاره اراده یک ملت و یک نوع توافق جمعی مردم و حاکمان در خصوص زمامداری

- قانون عادی

کلیه مصوبات نهادهای قانونگذاری

- آیین‌نامه‌ها

صدر جهت اجرای بهتر قانون، حفظ امنیت و حفظ منافع عمومی.

- احكام رؤسای کشور:

- عرف:

- دکترین:

- رویه قضایی:

نهاد قضایی به عنوان نهاد حل اختلاف، تجميع کننده آرا متفاوت جهت ایجاد نظم، امنیت و منافع عمومی.